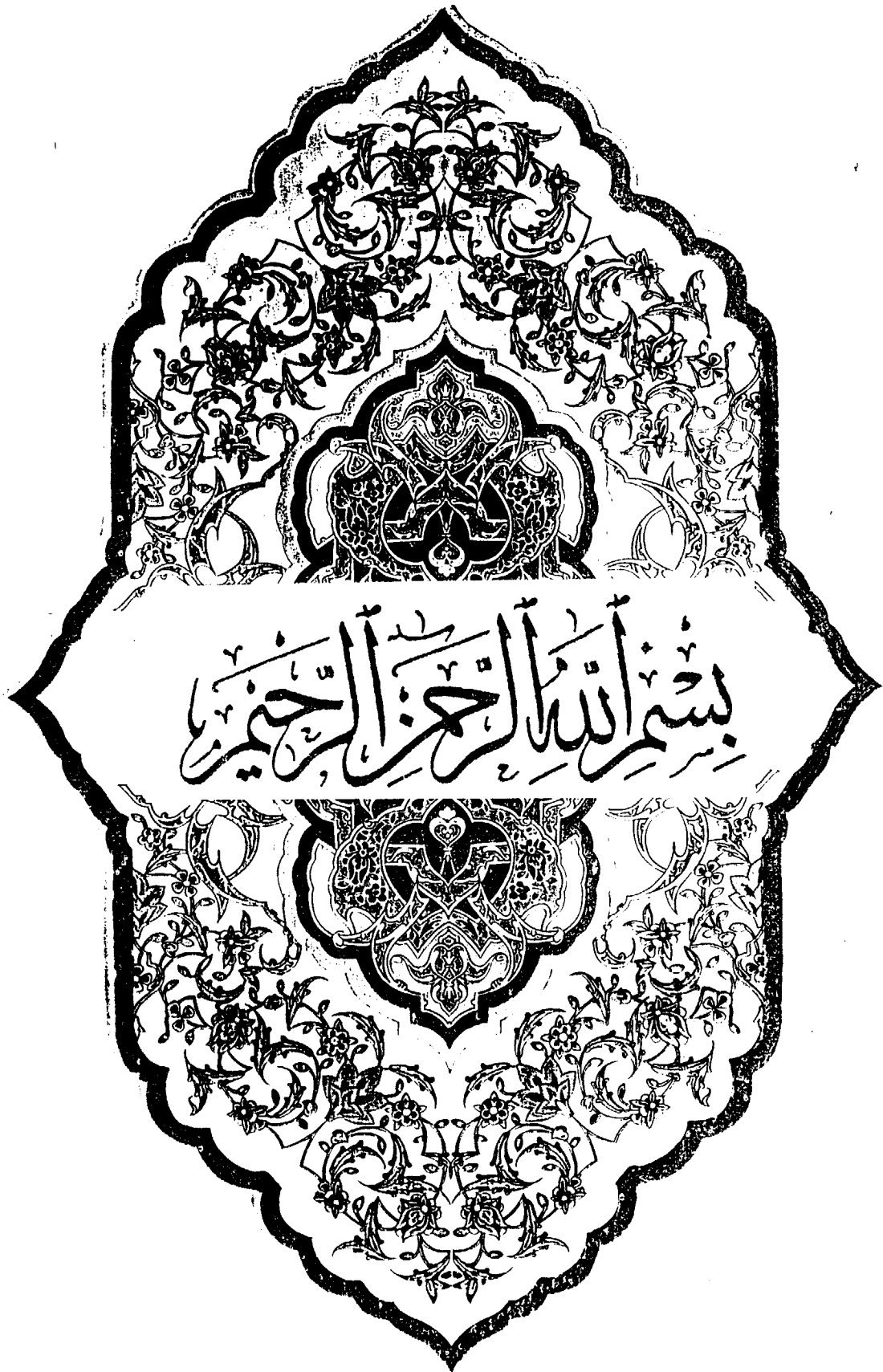
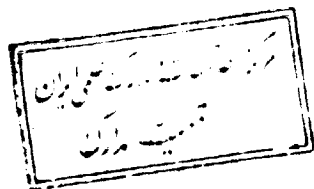


۲۵۹۱۵



۲۵۹۱۵

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰



دانشگاه فردوسی مشهد  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه:

کارشناسی ارشد و زبان ادبیات فارسی

موضوع:

**نقد و بررسی دیوان اشعار حاج ملاهادی سبزواری**

استاد راهنما:

دکتر سید محمد علوی مقدم

استاد مشاور:

دکتر محمد مهدی رکنی

به کوشش:

حسن عطایی رویانی

شهریور ۱۳۷۵

۲۵۶۱۵

۲۴۳۸/۲

## فهرست مطالب

الف	آغاز سخن
۱	زندگینامه حاج ملاهادی
۹	حوزه تدریس حکیم در سبزوار
۱۳	آثار و تألیفات حکیم سبزواری
۱۷	پاره‌ای از ویژگیهای اخلاقی حکیم سبزواری
۲۳	پیشینه شعر فارسی تا بازگشت ادبی
۳۳	ویژگیهای شعری اسرار
۴۲	راهنمایی
۴۳	غزلیات
۲۲۸	بخش دوم (ترجیع بند، مثنویات، ساقی نامه، رباعی)
۲۳۶	توضیح و گزارش
۵۲۹	فهرست منابع و مآخذ
۵۴۵	فهرست لغات و ترکیبات معنی شده
۵۷۷	فهرست آیات
۵۸۳	فهرست احادیث
۵۸۷	اختلاف نسخه‌ها
۵۸۹	فهرست اعلام اشخاص و مکانها

## به نام خداوند جان و خرد

گر خطا گفتم، اصلاحش تو کن  
مصلحتی تو، ای تو سلطان سخن  
کیمیاداری که تبدیلتش کنی  
گرچه جوی خون بود نیلتش کنی  
این چنین میناگری ها کار توست  
این چنین اکسیرها اسرار توست  
(جلال الدین مولوی)

## آغار سخن

عنوان دفتر حاضر؛ یعنی نقد و بررسی دیوان اشعار حاج ملاهادی سبزواری  
موضوعی است که از بین چند موضوع دیگر، در پنجاه و هفتمین جلسه شورای  
تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد به  
تصویب رسید.

در این پایان نامه، کوشش نگارنده بر آن بوده است که دیوان اشعار حاج ملاهادی  
سبزواری متخلص به اسرار را از نظر اصطلاحات و ترکیبات عرفانی، نکته های بلاغی،  
پاره ای نکته های دستوری و آیات و احادیث مندرج در بیتها مورد مطالعه قرار دهد. از  
آنجا که درباره موضوعات مزبور و همچنین اعراب گذاری و ترجمه بیت های عربی دیوان  
اسرار، تاکنون هیچ بحثی نشده است و این دفتر نخستین کوششی است که در این زمینه به

سامانی می‌رسد بی‌گمان از نقصها و لغزشها به دور نخواهد بود. با این همه امید نگارنده این است که گستردگی و چندجانبه‌بودن موضوع و دشواری راهی که در پیش داشته، عذر خواه این لغزشها و کاستیها باشد؛ زیرا از نخستین لحظه‌ای که برای نوشتن این پایان‌نامه به مطالعه و غور و جستجو پرداختم، هرگز از گستردگی دامنه این کار آگاه نبودم؛ زیرا که این کار، یعنی، گام نهادن در وادی عرفان و شناخت ظرافتهای آن در آغاز بسیار سهل و آسان می‌نمود اما هرچه جلوتر می‌رفتم، وسعت و بی‌انتهایی آن برایم بیشتر نمایان می‌شد و احساس می‌کردم که در وادی خطرناک و مهلکی گام نهاده‌ام و با این بضاعت و توشه بسیار ناچیزی که من اندوخته‌ام ممکن است هرگز به سلامت به مقصد نرسم و خجل و شرمسار در همان منزلهای نخستین از پای درآیم.

به گفته حافظ:

از هر طرف که رفتم جزو حشتم نیفزود

زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

این راه را نهایت صورت کجا توان بست

کش صد هزار منزل بیش است در بدایت

شاید اگر شوق آگاهی از نکات عرفانی و زیباییهای شعری دیوان «اسرار» و کشش و

عطش درونی که پیوسته در روح و جان من هست، نبود به این سفر ادامه نمی‌دادم؛ زیرا

که کعبه مقصود را بس دور می‌دیدم و راه را پر از خار مغیلان.

خضر رهی کو؟ که ما عاجز و درمانده‌ایم

کعبه مقصود دور، خار مغیلان به پا

(اسرار)

ولی ارشاد و راهنمایی خردمندانه دلیلان راه و آن شوق و طلب، زادراهی بود که بیم درازی این سفر و موانع راه را از میان برمی‌داشت و دشواری راه رسیدن به کعبه مقصود را برایم سهل و آسان می‌نمود.

نگارنده در این دفتر، ابتدا به شرح زندگی حاج مآهادی و تحصیلات و آثار او پرداخته، سپس سیر تکاملی شعر فارسی را از آغاز تا دوره بازگشت ادبی تحت عنوان «پیشینه شعر فارسی» مورد بررسی قرار داده‌است. در این قسمت سعی شده است بطور خلاصه - بدون ذکر اشعاری از شاعران - دلایل تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و مذهبی که موجب تحول، دگرگونی و تکامل شعر از نظر لفظ و معنی شده است، بیان گردد. ناگفته نماند که این بخش از نظر حجم و گستردگی مطالب بیش از مقدار موجود بود که با راهنمایی استادان بزرگوار، مختصر گردید. هدف اصلی از نگارش این بخش، این بوده است که خواننده با نگاه اجمالی - بی آنکه به منابع و مآخذ دیگر نیاز پیدا کند - از گذشته شعر و سیر تکاملی آن تا عصر «اسرار» آگاه گردد.

در بخش سوم ویژگیهای شعری اسرار، از نظر سبک، لفظ، بلاغت، وزن و تأثیرپذیری از دیگر شاعران مورد بحث قرار گرفته است.

بخش چهارم که مقصود اصلی این دفتر است شامل نکته‌های بلاغی، معنی لغات مهم، کشف آیات و احادیث مندرج در بیتها و شرح اصطلاحات و ترکیبات عرفانی است. که در حقیقت می‌توان عنوان «فرهنگ اشعار اسرار» را بر این قسمت نهاد.

با آن که «اسرار» از نظر شاعری به پایه و مقام حافظ نمی‌رسد، بسیاری از

غزلهایش رنگ و بوی غزلهای حافظ را دارد و مانند حافظ با انتخاب کلمات مناسب، طرز تلفیق جملات و به کار بردن ایهام در بسیاری از عبارات و تشبیهات، حالتی به اشعار خود داده است که برخی خوانندگان بدون آن که معنی و مقصود آنها را دریابند، به همان کشش ظاهری سرمست می شوند و بیتها را بر وفق ذوق و مراد خود تفسیر می کنند.

ولی اگر جوینده ای ژرف بین بخواهد در این دریای موج غوص کند و دامن مقصود را از مرواریدهای غلطان آن آکنده سازد به موانع و مشکلات بسیاری گرفتار خواهد شد؛ زیرا «اسرار» چون حافظ در بسیاری از بیتها، لغات را به معانی خاصی استخدام کرده و با مهارت و دقت، نکته های عرفانی را در ترکیبات و تشبیهاتی عجیب و دقیق بیان کرده است. و غالباً منظور خود را در لباس تشبیه و ایهام عرضه نموده است که خواننده، گاه از دریافت معنی و گاه از ترجیح معنی بر معنی دیگر عاجز می شود. این سبک بیان که معمولاً از خصوصیات غزلهای عرفانی به ویژه غزلهای حافظ است در اشعار اسرار کم نیست.

این ایهام و بیان نکته های عرفانی در لباس تشبیه نه تنها از لطف، زیبایی و رسایی اشعار نمی کاهد بلکه باعث عظمت، شکوه و شیوایی اشعار می گردد و خواننده را از این جهان مادی و کلاخ سپنج به سیر در عالم درون متوجه می کند و او را به تأمل و تفکر فرو می برد. بنابراین هر چند ایهام و تشبیه موجب بلاغت و شیوایی سخن می شود و خواننده از آن لذت می برد روشن شدن معنی لغات و ترکیبات بر این لذت می افزاید.

علاوه بر لغات و ترکیبات و مصطلحات عرفانی که نیاز به توضیح دارد مطالب

دیگری هم در اشعار «اسرار» هست: چون اشارات تاریخی، اسطوره‌ای، موضوعات دینی نظیر معجزه‌های برخی پیامبران، اصطلاحات موسیقی، نجومی، کنایات، عبارات عربی، تلمیح به آیات و احادیث که وقوف بر معنی تمام آنها به احاطه و مذاقه کافی نیازمند است؛ بدین سبب این مطالب در این دفتر توضیح داده شده است تا خوانندگان اشعار «اسرار» بی آن که نیاز به منابع دیگر داشته باشند - یأسانی مقصود و مفهوم بیتها را دریابند.

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که برای توضیح ترکیبات و لغات یأسانی می‌توان از لغت‌نامه‌ها مدد گرفت اما درباره مصطلحات عرفانی کار به لونی دیگر است؛ زیرا تشخیص مقصود گوینده در هر بیتی بسیار مشکل است؛ چون تصوّف و عرفان، کار دل و سخن عشق است و حال است نه قال، بدین جهت حدّ و رسم بر نمی‌تابد و هر کس از سرحال و در حدّ فهم خویش اصطلاحاتی را بیان و تفسیر کرده است. بدین علت ممکن است که توضیح و معنی اصطلاحی بر وفق ذوق و عقیده خواننده‌ای نباشد. با توجه به مطالبی که گفته شد برای توضیح و شرح اصطلاحات و ترکیبات عرفانی تا آنجا که ممکن بوده، از منابع و مآخذ دست اول استفاده شده است؛ و در جایی که بدین گونه منابع - بنا به دلایلی - دسترسی نداشته‌ام، از فرهنگها بهره برده‌ام و نیز در برخی موارد از دو سه کتاب گزیده بخاطر استفاده از توضیحات آنها بهره برده‌ام که این امر از اهمیت کار نمی‌کاهد. بهر حال سعی نموده‌ام که معنی و توضیحی را ارائه دهم که به مقصود شاعر نزدیک باشد. با این حال این بنده مدعی نیست که از عهده این کار چنان که باید برآمده است؛ زیرا انسان محلّ سهو و خطاست و ره



مقصد دراز و نگارنده کم‌مایه و نوسفر.

ناگفته نماند که نقد و بررسی دیوان اشعار اسرار براساس نسخه سیدمحمدرضا، دایمی جواد صورت گرفته است. و در ضمن به دو نسخه دیگر: یکی تصحیح مرتضی مدرّسی چهاردهی و دیگری تصحیح اسدالله شهبهانی نظر داشته‌ام که بسیاری از اشتباهات چاپی رابا مقایسه سه نسخه برطرف نموده‌ام و نیز اختلافهای دو نسخه مذکور رابا نسخه دایمی جواد در پایان این دفتر ذکر کرده‌ام.

من لم يشكر المخلوق

لم يشكر الخالق

### عرض سپاس

سعادت و خوشبختی بسیار بزرگی که در این سفر دراز و پر از موانع، خداوند کریم بر من ارزانی فرمود، این است که دانشمندان و فرزندگان بسیار بزرگواری که فضل و دانش و خرد آنها زبانزد خاص و عام است ارشاد و راهنمایی این بنده را برعهده داشتند؛ که نخست دانشمند عزیز و گرانقدر جناب آقای دکتر محمدعلوی مقدم می‌باشند که در سمت استاد راهنما - دلسوزانه، متواضعانه، صبورانه و خردمندانه - از خوانِ فکرتِ اندیشه و فضل و دانش خود بهره‌ها نصیب فرمودند. و جناب آقای دکتر محمد مهدی رکنی، دانشمند فاضل و گرانمایه، که در سمت استاد مشاور، همواره - با راهنمایی‌های آگاهانه و نکته‌سنجی‌های خردمندانه - من را از سقوط و بی‌راهه رفتن نجات دادند، که از این استادان ارجمند نهایت سپاسگزاری را می‌نمایم و از درگاه ایزدمتعال مسألت دارم که بر بقای عمر و توفیقات ایشان بیفزاید تا چون خورشید فروزان همواره بر آسمان عرصهٔ پهناور ادبیات بدرخشند و چون چشمه‌ای جوشان پیوسته تشنگان علم و دانش را سیراب سازند. و نیز از همهٔ استادان دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی که افتخار کسب علم و اخلاق را در محضر ایشان داشته‌ام

بسیار تشکر می‌کنم.

از دیگر بزرگان و همراهان ذیل که هرکدام به نحوی من را یاری داده‌اند و از سنگینی بار کاسته‌اند بسیار تقدیر و تشکر می‌کنم و از خداوند بزرگ برای ایشان طول عمر همراه با توفیق و سعادت مسألت می‌نمایم.

\* جناب آقای دکتر محمدفاضلی استاد ارجمند زبان و ادبیات عرب دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی که با سعه صدر چند مورد از اشکالات چاپی بیت‌های عربی دیوان اسرار را تصحیح نمودند.

\* دوست و همکار ارجمند آقای حمید بیهقی کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، دبیر دبیرستان‌های سبزوار و مدرس دانشگاه تربیت معلم نیز در این کار حقی بر من دارند. با اعتمادی که به علم و دانش و دقت نظر ایشان داشتم خواهش کردم که ترجمه و اعراب‌گذاری بیت‌های عربی را پیش از تایپ بخوانند و نظر خود را درباره جزئیات کار من اظهار دارند که ایشان با گشاده‌روی این کار را پذیرفتند.

\* همکار و دوست هم خُجَرة تحصیلی من، آقای جواد محقق نیشابوری که پاره‌ای از یادداشتهای خود را که درباره مقایسه برخی از غزلیات «حافظ» و «اسرار» بود در اختیارم نهادند که بسیار مفید و مثمر‌تر بود.

\* کارمندان کتابخانه، بخش مجله و مرجع دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی و کارمندان کتابخانه بزرگ آستان قدس رضوی که با تواضع و گشاده‌روی در این راه کمک و یاورینده بوده‌اند.

\* همسر خردمند و فاضلم شهلا صفاتی دبیر دبیرستان‌های دخترانه سبزوار که با

تصحیح پیش‌نویسهای این وجیزه، حق بزرگی بر من دارند و همچنین فرزندانم:  
تکنم، مهشید، سجاد و امین که با تحمل سختیها و مشکلات مشوق من در امر  
تحصیل بوده‌اند.

\* و مؤسسه حروف چینی امام حسین (ع) - نمایندگی سبزوار - که کمال همکاری  
و مساعدت را داشته‌اند.

بِوَجْهِ اللَّهِ وَ مَنِّهِ

حسن عطایی رویانی،

شهریور ۱۳۷۵

۶

افسانه‌مارا هر آن که بشنید

لب بست دگر ز داستانها

«اسرار»

### زندگینامه حاج ملاهادی سبزواری

حکیم، فیلسوف و عارف بزرگ قرن سیزدهم، هادی بن مهدی سبزواری، مشهور به «حاج ملاهادی سبزواری» در سال ۱۲۱۲ ه.ق. در دارالمؤمنین سبزوار، در خانواده‌ای خیر و نیکوکار پا به عرصه هستی نهاد و چشم بر آفاق گشود.<sup>(۱)</sup> همراه و همگام با سیر زمان و گردش روزگار، در سایه الطاف الهی با طلب، همت، اراده و سعی و کوشش خستگی‌ناپذیر و تحمّل رنج سفر و دوری از وطن، نام‌گرا نقدر خود را زینت بخش اوراق زرّین بوستان عرفان، فلسفه و حکمت نمود، و چون شاهبازی بلندپرواز بر اوج قلّه رفیع فلسفه، آشیان گزید. و چون باغبانی خُبّره و تزدست، درخت تنومند و کهنسال فلسفه اسلامی را که ریشه در دوره عباسیان داشت، طراوت و شادابی بخشید و توانست در این مقطع از زمان، این درخت تنومند را تا حد اکثر نقطه اوج آن پرورش دهد.<sup>(۲)</sup>

۱- ولی‌الله اسراری، شرح زندگی حاج ملاهادی سبزواری، چاپ بیهن، سبزواری، ۱۳۳۲، ص ۱

۲- حاج ملاهادی سبزواری، اسرارالحکم، به کوشش ح.م. فرزاد، با مقدمه نوشی هیکوایزوتسو، انتشارات مولی، تهران ۱۳۶۱، ص ۷

حاج میرزامهدی، پدر فیلسوف شهیر، در سبزوار - که از دیرزمان بخصوص در عصر قاجار همچون مراکز عمده ایران، قلب تپنده اقتصاد و عرصه داد و ستد کاروانیان تجاری بود - به امر تجارت اشتغال داشت؛<sup>(۱)</sup> بدین جهت به «تاجر» شهرت یافته بود.<sup>(۲)</sup>

این مرد خیر و نیکوکار، ثروت و متاع بی ارزش دنیوی را با زر تواضع، تقوا، جوانمردی و سخا مُرّین و آراسته نموده، آن را پلی قرار داده بود برای رسیدن به اجر و پاداش سرای جاوید. او با انجام امور خیر، از جمله: ساختن حَقّام و آب انبار، در طول زندگی خود منشأ خیر و برکت بود و با وقف سهمی از اموال خود جهت اطعام مستمندان، به این امر خیر نداوم و استمرار بخشیده است.<sup>(۳)</sup>

حاج میرزامهدی، در سال ۱۲۲۰ ه.ق. یا ۱۲۲۱ در هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا دوستان و آشنایان را چشم به راه گذاشت و در شهر شیراز دعوت حق را لبیک اجابت گفت و به سرای جاوید شتافت.<sup>(۴)</sup>

هادی، در هشت سالگی در سایه پدر صرف و نحو عربی را در سبزوار آموخت و در ده سالگی، حجره طلبگی و دانش‌اندوزی را بر حجره تجارت پدر ترجیح داده، اقوام و خویشان و شهر و دیار خود را با تمام خاطرات شیرین کودکی‌اش ترک گفت و همراه دانشی مرد باتقوا، حاج ملاحسین سبزواری، پسر عمه خود - که سالها در مشهد مقدّس به امر تعلّم، تعلیم، تزکیه و عبادت مشغول بود - راهی آن دیار شد.

۱ - محمّد علی مدرّس، ریحانه الادب، چاپ دوم، کتابفروشی خیام، تبریز، ج ۲ ذیل سبزواری.

۲ - سید حسین قریشی سبزواری، شرح زندگی حاج ملاحادی سبزواری، چاپ اول، نشر سازمان تبلیغات

اسلامی ۱۳۷۳، ص ۱۳ - ۳ - ولی الله اسراری، همان کتاب، ص ۱

۴ - ملاحادی سبزواری، شرح دعاء الصّباح، به کوشش نجفقلی حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران،

فروردین ۱۳۷۲، ص ۲

هادی، در این محیط علمی و عرفانی در جوار بارگاه ملکوتی هشتمین پیشوای شیعیان، حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع)، به فراگیری علم و دانش و تزکیه و تهذیب نفس پرداخت؛ و در عین برخورداری از مال و ثروت پدری، مانند عمه زاده خود و دیگر مردان خدا شیفته گنج فناعت شد و شب و روز در پربار کردن درخت دانش وجود خود می‌کوشید. او "علوم عربی، فقه، اصول، منطق و ریاضی را نزد استاد گرانقدر، عمه زاده اش حاج ملاحسین، بخوبی فرا گرفت."<sup>(۱)</sup> و چنان در علم و عمل پرورش یافت که در حدود بیست سالگی، هم در علوم مرسوم سرآمد اقران گردید و هم در مراتب تهذیب و تزکیه نفس و کمالات معنوی به ملکات فاضله آراسته شد.<sup>(۲)</sup>

حکیم سبزواری، پس از «ده سال»<sup>(۳)</sup> تلاش مداوم و مستمر در فراگیری دانش در مدرسه حاج حسن در جوار حضرت رضا(ع) به سبزواری مراجعت نمود و همسری برگزید. و "بعد از دو سال برای تکمیل تحصیلات و ترقی تعالی به مقام عالی بشریت و شدت عشق به حکمت اشراق، اموال و عیال و فرزند یک ساله خود، محمد، را در سبزواری به عم خود سپرد و به اصفهان مسافرت نمود."<sup>(۴)</sup> که این سفر علمی به گفته اسراری هشت سال به طول انجامید.

اصفهان، در عصر حاج ملاهادی مهد حکمت، فلسفه و مرکز تجمع دانشمندان و فقها و عرفای بزرگ بود که تشنگان حکمت و معارف الهی از اکناف و اطراف ایران

۱- قاسم غنی، یادداشتها، لندن ۱۳۶۲ هجری شمسی، ج ۱۰، ص ۱۳۴-۱۳۵

۲- شرح دعاء الصباح، ص ۲

۳- این مدت در مکارم الانوار(ص ۴۵۱) و یک سال در میان ایرانیان(ص ۲۱۴) پنج سال ذکر شده است ولی قاسم غنی و ولی الله اسراری، این مدت را ده سال نوشته اند.

۴- ولی الله اسراری، همان کتاب، ص ۸